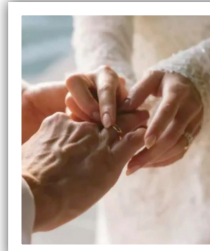




**کشف محموله بزرگ مخدر در مرز**  
قاچاقچیان مسلح وقتی در محاصره مرزبانان قرار گرفتند با رها کردن ۴۰ کیلو تریاک فرار کردند. آنها قصد داشتند با سوءاستفاده از تاریکی هوا محموله بزرگ خود را از مناطق مرزی عبور دهند که در کمین مرزبانان سیستان و بلوچستان گرفتار شدند و بعد از درگیری مسلحانه، با رهاکردن ۴۰ کیلو تریاک، فراری شدند.

بسته خبری خارجی

## زوج اتریشی برای کلاهبرداری ۱۲ بار با هم از دواج کردند



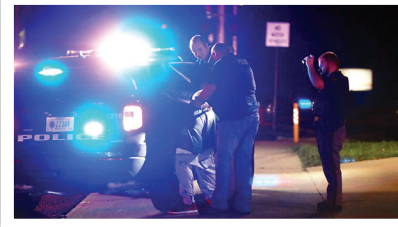
کلاهبرداری یک زوج از صندوق بازنشستگی اتریش با ۱۲ بار از دواج و قتل هولناک ۴ نفر از اعضای یک خانواده توسط پسر ۱۶ ساله در آمریکا از مهم‌ترین اخبار حوادثی در رسانه‌های دنیا در ۲۴ ساعت گذشته بود.

به گزارش همشهری، اوایل امسال وقتی زن ۳۳ساله ساکن گراتس اتریش برای گرفتن مستمری خود به اداره بازنشستگی رفت، کارکنان آنجا متوجه مورد مشکوکی در پرونده این زن شدند. در تحقیقاتی که از سوی اداره بازنشستگی اتریش صورت گرفت، معلوم شد که این زن از سال ۱۹۸۱ مستمری زنان بیوه را دریافت می‌کرده است. حال آنکه این مستمری فقط تا ۴ سال بعد از طلاق به هر زن پرداخت می‌شد. به این ترتیب بود که تحقیقات ادامه یافت و در نهایت راز عجیب این زن فاش شد.

ماجرا از این قرار بود که زن ۳۳ساله در سال ۱۹۸۱ او پس از مرگ همسر اولش مستمری زنان بیوه را دریافت می‌کرد. او مدتی بعد با شوهر دومش ازدواج کرد ولی آنها در سال ۱۹۸۸ طلاق گرفتند که این زن بار دیگر موفق به دریافت مستمری زنان بیوه شد.

وقتی زن متوجه شد بعد از هر طلاق می‌تواند از مزایای مستمری زنان بیوه استفاده کند، تصمیم عجیبی گرفت. او و شوهر سومش تصمیم گرفتند که هر چند سال یک‌بار طلاق بگیرند و بار دیگر ازدواج کنند تا بتوانند از مستمری استفاده کنند. آنها با این روش توانستند در طول ۳۳سال که ۱۲ بار ازدواج کرده و از هم جدا شده بودند، ۳۲۶ هزار یورو از سیستم بازنشستگی اتریش دریافت کنند. با کشف این حقیقت، زوج سالخورده به اتهام کلاهبرداری دستگیر شدند.

قتل عام خانوادگی در نیمه شب



ساعت ۲:۲۰ بامداد شنبه گذشته نوجوان ۱۶ساله‌ای به نام دیگو لیوا اهل نیومکزیکو آمریکا با پلیس تماس گرفت و به آنها گفت که اعضای خانواده خود را به قتل رسانده است. مأموران پلیس وقتی وارد خانه شدند با جسد ۴نفر ۹ماهه‌ی لیوناردو لیوا، ۴۲ساله، آدریانا پنکومو، ۳۵ساله، آدریان لیوا، ۱۶ساله، و الکساندر لیوا، ۱۴ساله مواجه شدند. در تحقیقات پلیس معلوم شد که دیگو بعد از مصرف مشروبات الکلی در حالی که به شدت مست بوده و از خود بی‌خود شده، با یک اسلحه وارد خانه شده و همه اعضای خانواده را به گلوله بسته است. براساس گفته پلیس، هنوز انگیزه این نوجوان ۱۶ساله از قتل عام خانوادگی مشخص نیست و تحقیقات ادامه دارد.

پرونده داخلی

## قاتل شوهر، سکوتش را شکست



«می‌خواستم از همسرم جدا شوم اما او طلاقم نمی‌داد»، این انگیزه زنی افغان است که نقشه قتل همسرش را کشید و با داستان سرایی قصد داشت خودش را بی‌گناه نشان بدهد. به گزارش همشهری، یکشنبه گذشته به قاضی سالار صنعتگر، باز پرس جنایی تهران خبر رسید که مردی جوان با ضربات چاقو به قتل رسیده است. او جوانی افغان بود که همسرش در توضیح ماجرا به مأموران گفت: حدود ساعت ۵صبح، شوهرم از خواب بیدار شد و به سمت پذیرایی رفت اما ناگهان صدای در گیری شنیدم. مردی که نقاب به صورتش داشت با همسرم در گیر بود. او بسا چاقو چند ضربه به همسرم زد و فرار کرد. اظهارات این زن عجیب بود و در این شرایط باز پرس جنایی دستور بازداشت وی را صادر کرد. او صبح دیروز قتل سکوتش را شکست و به قتل شوهرش اعتراف کرد. وی گفت: چند وقت قبل با یکی از هموطنانم به نام محمد در بازار آشنا شدم. آن روز سفره دلم را برایش باز کردم و گفتم شوهرم خیلی مرا اذیت می‌کند، اما حاضر نیستم طلاق بدهم. مدتی پس از این آشنایی به محمد گفتم که می‌خواهم به زندگی شوهرم پایان بدهم. وی ادامه داد: با کمک محمد نقشه قتل شوهرم را کشیدم. روز جمعه محمد سراغ شوهرم رفت که او را به قتل برساند، اما فراموش کرده بود با خودش چاقو ببرد. برای همین من کلید خانه‌ام را به او دادم. سپس، داروی خواب‌آور در نوشیدنی همسرم ریختم و بعد محمد که رسید با چاقو، ضرباتی به شوهرم زد. با اعترافات این زن، همدست وی نیز دستگیر شد و به همدستی با زن جوان در قتل شوهر او اعتراف کرد. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.



**پایان خط شرور خیابان هاشمی**  
یکی از اراذل و اوباش خیابان هاشمی تهران که به اتهام درگیری و ایجاد رعب و وحشت در منطقه تحت تعقیب بود، دستگیر شد. به گفته سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات سازمان اطلاعات پلیس پایتخت، این فرد در پاتوقی در خیابان هاشمی مخفی شده بود که در یک عملیات ضربتی دستگیر شد.

زن میانسال به شرط ساخت مدرسه از قصاص قاتل پسرش گذشت

# عروس قاتل را مادرشوهر بخشید



الیه فراهانی  
روزنامه‌نگار

مادرشوهر در حالی که حکم قصاص عرووش قطعی و شمارش معکوس برای اجرای آن آغاز شده بود، از قصاص گذشت و به شرط ساخت مدرسه به نام پسرش عروس قاتل را بخشید.

به گزارش همشهری، شروع این پرونده به ۱۲مهر سال ۸۷ برمی‌گردد. به مأموران پلیس یکی از شهرهای اطراف ارک خبر رسید که مردی جوان به طرز مشکوکی در خانه‌اش جان باخته است. همسر این مرد مدعی بود که شوهرش دچار حمله قلبی شده است، اما مادر داماد می‌گفت که پسرش مشکل قلبی نداشته و کاملاً سالم بوده است. این اظهارات باعث شک مأموران به ماجرا و آغاز تحقیقات شد.

زندگی ۲ساله

بررسی‌ها نشان می‌داد که زوج جوان حدود ۲سال قبل تر با یکدیگر ازدواج کرده بودند. زن جوان در تحقیقات گفت: صبح روز حادثه از خواب که بیدار شدم، دیدم همسرم کنار من نیست. از اتاق که بیرون رفتم، دیدم در قسمت راهرو و درست مقابل دستشویی افتاده است. هر چه صدامش زد، جوابی را نداد و من وحشت‌زده به اورژانس زنگ زدم. با حضور اورژانس مشخص شد که شوهرم جان باخته است. مرگ او به شدت مرا شوکه کرد. ظاهراً او دچار حمله قلبی شده بود.

نظری به پزشکی قانونی

با توجه به مشکوک بودن مرگ مرد جوان، قاضی دستور داد جسد وی برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود. از سوی دیگر، مأموران همسر وی را به صورت نامحسوس زیر نظر گرفتند تا شاید سرنخی

در این پرونده به دست بیآورند. مدتی بعد، پزشکی قانونی اعلام کرد که مرگ مرد جوان به دلیل مسمومیت دارویی و سسم سایانور بوده است. همین کافی بود تا دستور بازداشت زن جوان صادر شود، اما او پس از دستگیری اصرار بر بی‌گناهی داشت.

راز گشایی

زن جوان ۹ماه تمام در بازداشتگاه سکوت کرده بود و می‌گفت نقشی در مرگ شوهرش نداشته است، اما تمام شواهد علیه وی بود تا اینکه او در نهایت قفل سکوتش را شکست و پرده از راز قتل شوهرش برداشت. او گفت: شوهرم کارمند پدرم بود و برای او کار می‌کرد. چون به خانه ما رفت‌وآمد داشت، عاشقش شدم و وقتی از من خواستگاری کرد، با وجود مخالفت پدرم قبول کردم. زندگی من و مهران شروع شد، اما مدتی بعد متوجه تغییر رفتارش شدم. وی ادامه داد: مهران اصلاً به من اهمیتی نمی‌داد و مدام سرش توی گوشی موبایلش بود و به او شک کرده بودم. هر چه او و

تصمیم بزرگ

تلاش‌ها برای جلب رضایت از ولی دم ادامه داشت تا اینکه با وساطت و پادرمیایی جمعی از بازنگران و خیرین مستقر در تهران مادرشوهر از قصاص عرووش گذشت و او را به شرط ساخت مدرسه در یکی از روستاهای استان مرکزی بخشید. وی گفت: هر دو مرتبه که عروسم پای چوبه دار رفت، هر چه با خودم کلنجار رفتم، نتوانستم حکم قصاص را اجرا کنم. نکته عجیب ماجرا این بود که هر دو مرتبه، شب قبل از اجرا خواب بصرم را دیدم. در خواب‌هایم او آشفته بود و صبح که رفته بودم اجرا، انگار ندانید در قلبم می‌شنیدم که جان عروسم را بگیرم. چون آنکه جان می‌دهد خودش هم جان می‌گیرد و دم نمی‌خواست من جان انسانی را بگیرم و خانواده‌اش را داغدار کنم. هر چند او جان بصرم را گرفته بود و هنوز بعد از گذشت ۱۶سال غم نبودنش برابرم سنگین است. خانواده عروسم اما نقشی در این اتفاق نداشتند و آنها بارها مقابل خانه من آمدند و التماس کردند تا او را ببخشم. در نهایت تصمیم خود را گرفتم، چون می‌دانم عروسم از اشتباه بزرگی که مرتکب شده به شدت پشیمان است و تا آخر عمرش عذاب وجدان خواهد داشت. وی ادامه داد: تصمیم گرفتم عروسم را به شرط ساخت مدرسه به اسم بصرم در روستا ببخشم. خانواده عروسم قبول کردند و در تدارک خرید زمین و ساخت مدرسه در آن هستند. احساس می‌کنم با این کار بصرم همیشه در آرامش است. با گذشت مادر مقتول، زن جوان از قصاص‌ها رهایی یافت تا پس از گذشت ۱۶سال از زندان آزاد شود.



از مجرمان هیچ شباهتی با تصویر چهره‌نگاری شده نداشت، اما یکی از آنها شبیه همانی بود که فوزیه ترسیم کرده بود؛ مرد ۴۰ساله‌ای که فرید بغلانی در سال ۷۴به‌خاطر حمله به زنان بازداشت شده و ۵ساله در زندان به سر برده و پس از آن آزاد شده بود.

این مرد دستگیر شد و در نهایت قفل سکوت را شکست و علاوه بر ۲۳قالتی که در سال ۸۷مرتکب شده بود، به ۱۳قتل دیگر بین سال‌های ۶۸ تا ۸۷اعتراف کرد. جنایاتی که به گفته مقامات قضایی آبادان، از آنجا که شباهت زیادی به قتل‌های خانوادگی داشتند، حتی باعث شده بودند که افراد بی‌گناهی به عنوان مظنون بازداشت شوند و تا مدت‌ها در مظان اتهام باشند. فرید در جریان جلسات محاکمه، انگیزه‌اش از ارتکاب این جنایات‌ها در چنین توضیح داد: «هن از زن‌ها نفرت داشتم و این تأثیری بود که پدر بزرگم روی من گذاشته بود، او بارها چندین زن را پیش من به با دینکت گرفته بود و من هم بدون اینکه مقتولان را بشناسم به محض اینکه زن یا دختری را تنها در محلی خلوت می‌دیدم، به او حمله می‌کردم و با ضربات میله آهنی که همیشه همراهم بود، به قتل می‌رساندم. پس از آن اگر طلا همراهشان بود سرت می‌کردم و جسد‌ها را برهنه می‌کردم و در نهر می‌انداختم.»

او همچنین در بخش دیگری از اعترافش گفت: «در خانه که بودم این حس به من دست می‌داد که باید از خانه بروم بیرون و قتلی انجام دهم. پس سوار دوچرخه‌ام می‌شدم و کوجه پس کوچمه به دنبال سوژه می‌گشتم و تا قتلی مرتکب نمی‌شدم، روحم آرام نمی‌گرفت.» فرید بغلانی در نهایت از سوی دادگاه به اعدام محکوم شد و این حکم ۳سال بعد از دستگیری‌اش در زندان کاروان اهوایه اجرا در آمد.

## ریزش ساختمان ۶طبقه، ۱۰روز پس از زلزله



با خاک یکسان شد. این حادثه حوالی ساعت ۱۲بامداد و در شرایطی که ساکنان ساختمان آنجا را تخلیه کرده بودند اتفاق افتاد و این حادثه تلفاتی به همراه نداشت، اما همه زندگی ۱۶خانواده زیر آوار ماند. مدیر این ساختمان در مورد این حادثه گفت: پس از زلزله ۱۰روز پیش ناگهان یکی از ستون‌های واحد یک در طبقه اول، ترک خورد و میلگرد‌های آن خارج شد. ساعت ۱۱ شب یکشنبه هم یکی از دیوارهای ساختمان ترک خورد. وقتی ترک خوردن دیوار را دیدیم، با عجله از خانواده‌ها خواستیم ساختمان را تخلیه کنند، اما اهالی باورشان نمی‌شد که

ساختمان دارد ریزش می‌کند و خیلی مقاومت کردند. ما قبل از رسیدن نیروهای آتش‌نشانی از ساختمان خارج شدیم. تقریباً یک ساعت بعد از

شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۳ - شماره ۹۲۸۲



صفحه ۱ از علیرضا شاپوری

خبر خوب

## نجات ۸ طبیعت‌گرد گرفتار شده در دمای منفی ۱۵درجه



۸ طبیعت‌گرد که در دمای منفی ۱۵درجه در ارتفاعات پر از برف و یخ تربت‌جام شده بودند نجات یافتند. به گزارش همشهری، ساعت ۱۲ ظهر یکشنبه به هلال‌احمر خراسان رضوی خبر رسید که ۸ طبیعت‌گرد در ارتفاعات بردوی تربت‌جام مفقود شده‌اند. آنها صبح آن روز برای گردش به ارتفاعات پسر از برف و یخ رفته بودند، اما مظاهر گم شده بودند و جانشینان در خطر بود. سیدعلی منیری، مدیر عامل هلال‌احمر خراسان رضوی گفت: به‌دنبال مفقودی ۸ طبیعت‌گرد بلافاصله یک تیم عملیات کوهستان از مرکز پاسخگویی اضطراری (ERS) تربت‌جام به همراه یک دستگاه خودروی آمک‌دار به محل اعزام شدند. او ادامه داد: همکارانم حدود ۶ساعت به جست‌وجوی افراد مفقود شده پرداختند تا اینکه سرانجام در شسرایی که بارش برف ادامه داشت و دمای هوا به منفی ۱۵درجه رسیده بود، آنها را پیدا کردند. امدادگران در ادامه این افراد را به محل امن انتقال دادند تا این عملیات پس از ۱۲ ساعت با نجات افراد مفقودشده پایان یابد.

همشهری؛ ۳۰سال پیش

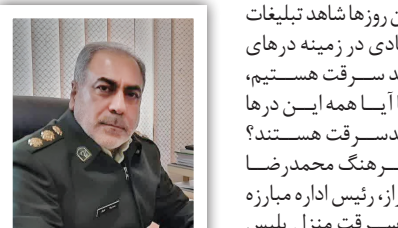
## جاسازی بیش از ۴۰۰ کیلو مرفین در کف کامیون



مبارزه با مواد مخدر در دهه ۷۰در اوج خود قرار داشت و پلیس هر روز از دستگیری قاچاقچیان و کشف محموله‌های سنگین مواد مخدر خبر می‌داد. آذرماه سال ۱۳۷۳مأموران اداره مبارزه با مواد مخدر تهران در یک عملیات عجیب موفق شدند بیش از ۴۰۰ کیلو مرفین را که به طرز ماهرانه‌ای در کف یک کامیون جاسازی شده بود، کشف کنند. همشهری یکی روز پس از این کشف بزرگ در گفت‌وگو با فرمانده انتظامی وقت تهران به این ماجرا پرداخت و نوشت: «سرتیب ابوالفتحی گفت: مأموران هنگام گشت در حوالی کیلومتر ۷جاده تهران - کرج به یک تریلی مشکوک شدند و ضمن بازجویی از سرنشینان تریلی چون تناقضاتی در اظهارات آنها وجود داشت، ناگزیر از بازرسی تریلی شدند. یکی از قاچاقچیان که قصد فرار داشت پس از دستگیری اعتراف کرد ۴۲۷کیلوگرم مرفین و تریاک در کف تریلی به طرز ماهرانه‌ای جاسازی کرده است. با کشف این محموله و به‌رهمندی از اعترافات دستگیرشدگان ۱۳ تن از قاچاقچیان مواد مخدر در ارتباط با این محموله شناسایی و دستگیر شدند.» نکته جالب اینکه به گفته سرتیب ابوالفتحی ارزش این محموله بیش از ۴۰۰میلیون تومان بود که در سال ۷۳ارزشی افسانه‌ای داشت.

آموزش

## نکات کلیدی برای استفاده از درهای ضدسدرقت



این روزها شاهد تبلیغات زیادی در زمینه درهای ضد سدرقت هستیم، اما آیا همه این درها ضدسدرقت هستند؟ سرهنگ محمدرضا سقرافز، رئیس اداره مبارزه با افراتر منزل پلیس آگاهی فراجا در این باره می‌گوید: درهای ضدسدرقت به درهایی گفته می‌شود که تحت هیچ شرایطی امکان ورود سارقان به مکانی که توسط این درها محافظت می‌شود، وجود نداشته باشند. پس می‌توان گفت اغلب درهایی که به اسم در ضد سدرقت فروخته می‌شوند فقط دارای ضرب ایمنی بالایی هستند؛ نه اینکه ضدسدرقت باشند. او در ادامه می‌گوید: یکی از معایب اساسی این درها، نام و عنوانشان است که چون به آنها ضدسدرقت گفته می‌شود، انتظارات کاذب برای شهروندان و مصرف‌کننده ایجاد می‌کنند. اگر درهای ضدسدرقت موجود در بازار را با این امید خریداری کنید که تحت هیچ شرایطی قابل نفوذ و باز شدن توسط سارقان نیستند، کاملاً در اشتباه هستید. این درها برخلاف درهای معمولی در مقابل هرگونه فشار، برش، اهرم و دستکاری قفل توسط سارقان دارای ایمنی بالایی هستند و در واقع کمک می‌کنند تا امنیت خانه بیشتر شود.